

پشیمانی 90 درصدی زنان پس از طلاق توافقی



آمار 90 درصدی پشیمانی زوجین و به ویژه زنان از طلاق، نه تنها سالهاست تکان نخورده، بلکه با افزایش این آسیب اجتماعی و شیوع گونه‌های حقوقی دیگری از آن مانند طلاق توافقی، قابلیت تطابق با جوامع آماری بزرگ‌تر را نیز یافته است. این آمار که مورد تأیید مراکز رسمی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی است در بستر مواجهه زنان با مشکلات فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و روانی پس از طلاق مورد ارزیابی قرار گرفته است.

آمار 90 درصدی پشیمانی زوجین و به ویژه زنان از طلاق، نه تنها سالهاست تکان نخورده، بلکه با افزایش این آسیب اجتماعی و شیوع گونه‌های حقوقی دیگری از آن مانند طلاق توافقی، قابلیت تطابق با جوامع آماری بزرگ‌تر را نیز یافته است. این آمار که مورد تأیید مراکز رسمی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی است در بستر مواجهه زنان با مشکلات فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و روانی پس از طلاق مورد ارزیابی قرار گرفته است.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه جوان نوشت: گروهی از جامعه‌شناسان افسارگسیختگی طلاق در میان سایر پدیده‌های اجتماعی در کشور ما را پادتن‌سازی جامعه در برابر فشاری می‌دانند که بستر فرهنگی به آن تحمیل کرده است. به بیان دیگر آمار بالای ثبت روزانه و ساعتی طلاق در سال‌های اخیر را حاصل دوران‌گذار جامعه به سمت برقراری تعادل ارزیابی می‌کنند و آن را یک فرآیند تکاملی اجتماعی می‌دانند اما این واکنش افراطی در برابر کنش تفریطی اجتماع ما از نگاه رصدگر دشمنان دور نمانده است، به طوری که گسترش پدیده طلاق مورد بهره‌برداری برنامه‌ریزان خارجی قرار گرفته و بستر و فرصتی برای دشمنان فراهم کرده که بتوانند برای گسست بنیان خانواده در ایران برنامه‌ریزی و از این طریق به صورت تضمین شده‌ای اهداف خود را دنبال کنند. در صورتی که چنانچه به عنوان یک پدیده اجتماعی از ابتدا ابتکار برنامه‌ریزی در مورد آن در دست خود ما می‌ماند امروز به صورت تظاهرات بالینی قابل توجه نمود نمی‌کرد.

دخالت مدیریت شده در پدیده طلاق

از سوی دیگر شکسته شدن قبح طلاق و شیوع گسترده طلاق توافقی یکی از نتایج این دخالت مدیریت شده در مراحل تکوینی بلوغ خانواده در مراحل ازدواج و طلاق است. یعنی زوجین با بروز هر مشکلی در مسیر زندگی با توافق بر سر مسائل مشترک مانند مهریه و سرپرستی فرزند یا فرزندان درخواست طلاق می‌دهند و این شیوه جدایی با صلح و سازش و بدون دردسر و پادرمیانی بزرگ‌ترها و همراه با جشن و شادی را به عنوان یک شیوه متمدنانه پذیرفته و اجرا می‌کنند، غافل از اینکه از مشکلات و مسائل پشت دیوار طلاق اطلاعی ندارند.

به عقیده کارشناسان هر شکستی تبعات روانی خاص خود را دارد و این مسئله در زنان و مردان تفاوتی نمی‌کند. طلاق نیز فارغ از توافقی یا غیرتوافقی بودن آن یک شکست به شمار می‌رود اما زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه، طلاق را برای زنان با آسیب‌های بیشتری همراه می‌کند.

بدری‌السادات بهرامی، روانشناس در این باره معتقد است: «زنان پس از طلاق دچار انزوا می‌شوند، چراکه حتی نزدیکان‌شان به دلایل فرهنگی و باورهای اشتباه از آنان دوری می‌کنند و حتی پس از جدایی از سوی جامعه و برخی افراد مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرند.» کارشناسان امور خانواده متفق‌القول هستند که طلاق در جوامع سنتی مذموم است، بنابراین اکثر خانواده‌ها تلاش می‌کنند این اتفاق نیفتد، برخی تابع قوانین و سنت‌های خانوادگی‌شان هستند که مثلاً عروس با لباس سفید می‌رود و با کفن برمی‌گردد. از طرفی زن و مرد نیاز به پشتوانه عاطفی دارند به خصوص زنان از این نظر تمایل بیشتری دارند که حامی و پشتیبان عاطفی داشته باشند و چون زن برخلاف مرد انتخاب شونده است، درون خود این ترس را دارد که مبادا پس از طلاق تنها بماند.

اگر زنی که طلاق گرفته است دارای فرزند باشد مشکلات بیشتری در انتظار اوست به دلیل اینکه حق حضانت زنان بر کودکان با توجه به قانون مدنی تا هفت سالگی است. بنابراین جدایی از فرزند نیز از مشکلاتی است که به شدت زنان را رنج خواهد داد و از سوی دیگر این مورد تبدیل به حربه‌ای شده است برای برخی از مردان سودجو تا با دادن حق حضانت به زنان در قبال گذشتن از حقوق مالی‌شان، آنها را از حقوق حقه خویش محروم کنند و برخی دیگر از کودکان به عنوان ابزاری برای انتقام از همسران سابق خود استفاده و آنها را از دیدار کودکان خود محروم می‌کنند.

طلاق زنجیره‌ای از آسیب‌های اجتماعی است

به اعتقاد این کارشناس سلامت خانواده، «پیامدهای اجتماعی مسئله بعدی زنان مطلقه است. نپذیرفتن فرزندان زنان مطلقه در ازدواج‌های بعدی، ترس از ازدواج با اینگونه از زنان با تصور داشتن مشکلات شخصیتی و وقوع طلاق مجدد، انتخاب به عنوان

همسر دوم و صیغه‌ای، در امان نبودن از طعنه‌ها و کنجکاوی‌های اطرافیان، سرخوردگی اجتماعی و بسیاری دیگر از این دست امور، زنان مطلقه را با چالش مواجه می‌کند.»

همچنین اگر زنی مطلقه به هر دلیلی نتواند به خانه پدری بازگردد و از حمایت آنها بهره‌مند شود باید با مشکلات اقتصادی نیز دست و پنجه نرم کند، زانی که دارای درآمد و سرمایه مالی نیستند بعد از طلاق اگر از جانب فرد دیگری حمایت نشوند برای تأمین مسکن و مایحتاج زندگی خود نیز دچار مشکلاتی خواهند شد و اگر حضانت فرزندان را هم بر عهده گرفته باشند، اوضاع به مراتب سخت‌تر خواهد بود و متأسفانه در بعضی از موارد دیده شده است که این زنان برای تأمین نیازهای اقتصادی خود به سمت فعالیت‌های بزهکارانه کشیده شده‌اند. بنابراین طلاق زنجیره‌ای از آسیب‌های به هم پیوسته است، که به‌رغم این همه قربانی، روزبه‌روز افزایش می‌یابد، اگرچه تمام افرادی که طلاق را تجربه می‌کنند، با کشمکش‌های فردی و بین فردی متعددی مواجه هستند.

از سوی دیگر گرفتار شدن زنان مطلقه در چنبره مجموع یا بخشی از این مسائل، آنها را از طلاق پشیمان می‌کند، به طوری که طبق آخرین آمار اعلام شده پشیمانی زنان از متارکه تا 90 درصد طلاق‌ها را شامل می‌شود، اگرچه جامعه آماری برآورد 90 درصدی پشیمانی زوجین و به ویژه زنان از طلاق مشخص نشده، با این حال رقم مذکور از سوی مراکز رسمی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی تأیید شده است.